

ارزش‌های زیربنایی انتخاب همسر: مطالعه‌ای داده بنیاد underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

Dr. Masoud Ghomali Lavasani

Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.

Zohreh Pirhayati

PhD in Specialized Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.

Dr. Mansooreh Hajhosseini*

Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.

hajhosseini@ut.ac.ir

Dr. Hossein Keshavarz Afshar

Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Dr. Atefeh Zandifar

Assistant Professor, Department of Psychiatry, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran.

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی،
تهران، ایران.

زهره پیرحیاتی

دکتری روان‌شناسی تخصصی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران،
ایران.

دکتر منصوره حاج حسینی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
(نویسنده مسئول)،
تهران، ایران.

دکتر حسین کشاورز افشار

استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران.

دکتر عاطفه زندی فر

استادیار، گروه روان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران.

Abstract

In order to identify the underlying values of choosing a spouse, this study has studied the experience of individuals on the verge of marriage. The present research has been done with a qualitative approach and with the grounded theory method. Participants in this study included 21 couples on the verge of marriage in Karaj who was selected by the purposeful selection method based on the principle of saturation. The data collection method in this study was a semi-structured interview with open and standardized questions and the data were analyzed and classified according to the approach of Strauss and Corbin's underlying theory. The findings showed the values of the participants in choosing a spouse in 5 central categories: "criteria, expectations, goals, responsibility, and meaning". The central category of "criteria" has 6 dimensions: "moral virtues, personality and behavioral characteristics, emotional relationships, fit and similarity, physical attractiveness and the way of acquaintance", the central category of "expectations" has 3 dimensions of "being together, having a good family and issues" "Sex", the central category of "goals" has 5 dimensions: "Marriage needs, marriage concerns, peace and security, completion and change and formation of the family", the central category of "responsibility" with 1 dimension of "cooperation for material and spiritual independence" and the category "Meaning" is dimensionless. The result of this research was the discovery of a core category

چکیده

این پژوهش باهدف شناسایی ارزش‌های زیربنایی انتخاب همسر به مطالعه تجربه افراد در آستانه ازدواج پرداخته بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش نظریه داده بنیاد صورت گرفته بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۲۱ زوج در آستانه ازدواج شهر کرج بودند که به روش انتخاب هدفمند و برایه اصل اشاع برگزیده شدند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسش‌های باز و استانداردشده بود و داده‌ها مطابق با رویکرد نظریه زمینه‌ای استراوس و کربین تحلیل و طبقه‌بندی گردید. یافته‌ها، ارزش‌های مشارکت‌کنندگان در انتخاب همسر را در ۵ مقوله محوری «معیارها، انتظارات، اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» نشان داد. مقوله محوری «معیار» دارای ۶ بعد «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، روابط عاطفی، تناسب و همسانی، جذابیت ظاهری و طریقه آشنایی»، مقوله محوری «انتظارات» دارای ۳ بعد «همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی»، مقوله محوری «اهداف» دارای ۵ بعد «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده»، مقوله محوری «مسئولیت‌پذیری» دارای ۱ بعد «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» و مقوله «معنا» بدون ابعاد بود. نتیجه این پژوهش کشف مقوله هسته با عنوان «عشق محتواهای زندگی» بود که ۵ مقوله محوری ارزش‌ها را در راستای انتخاب درست و آگاهانه انتخاب همسر تبیین می‌نمود.

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

called "love of the content of life" which explains the 5 central categories of values in order to choose the right and conscious choice of a spouse.

Keywords: Values, Spouse Choice, Love, Grounded Theory

واژه‌های کلیدی: ارزش‌ها، انتخاب همسر، عشق، نظریه داده بنیاد

ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۰

پذیرش: خرداد ۱۴۰۰

دربافت: اردیبهشت ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

ازدواج پیوند بین دو نفر با علایق، خواسته‌ها و نیازهای متفاوت است که بر رشد و تحقق افراد تأثیرگذار است (از گیت،^۱ ۲۰۱۷). ازدواج، فرایندی متعهدانه با عشق و مسئولیت برای آرامش، شادی و گسترش روابط خانوادگی است و علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است (شهبازی، کرایی و کیانی جم، ۱۳۹۶). از این رو نخستین مرحله‌ی چرخه زندگی خانوادگی، موفقیت در انتخاب همسر است؛ این موفقیت مراحل بعدی زندگی را بهشت تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد (نیتل و هریس،^۲ ۲۰۰۸؛ جواهری محمدی، کانتر کوشة و فرح بخش، ۱۳۹۴).

از همین منظر انتخاب همسر یک فرایند است که اگر مبتنی بر ارزش‌های افراد و آگاهانه صورت گیرد چشم‌انداز بهتری را برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. با توجه به اینکه ترجیحات ارزشی فردی، هم حاصل فرهنگ مشترک و هم حاصل تجربه‌های شخصی منحصر به فرد است (شورتر و راس،^۳ ۱۹۹۵) درنتیجه فرایند «بنا شدن ارزش‌ها» در خلال فراخنای زندگی تکامل می‌یابد (منه زیس و کمپور،^۴ ۱۹۹۷). شوارتز در باب نظریه «ارزش‌های انسانی بنیادی»^۵ گفته است: این ارزش‌ها جنبه‌ای از شخصیت‌اند و افراد در تمام جوامع از این حیث متفاوت‌اند. مانند: «قدرت، پیشرفت، لذت‌جویی، تحریک طلبی، خود رهنما ودهی، جهان‌شمول نگری، خیرخواهی، سنت، همنوایی و ایمنی» (شورتر، ۱۱؛ ۲۰۱۱؛ دل خموش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، ارزش‌ها بازتاب اصول هدایت‌کننده در زندگی هستند که برای فرد معنادار و مهم است (ریلی و همکاران،^۶ ۲۰۱۹). ارزش‌ها مسیر معنادار انتخاب‌شده‌ی افراد و بیانگر عمیق‌ترین تمایلات انسان هستند، بدین معنا که می‌خواهیم چگونه انسانی باشیم، می‌خواهیم چطور رفتار کنیم و با دیگران تعامل داشته باشیم، چه چیزی بیشترین اهمیت را برای ما دارد. به عبارت دیگر، ارزش‌ها راهنمای انسان در روابط اöst و اعمال او را برمی‌انگیزند (لو و مک‌کی،^۷ ۲۰۱۷). بر این اساس، ارزش صمیمیت با شخص دیگر، دربرگیرنده‌ی صمیمیت جسمی، ارتباطات آزاد و صادقانه، پیگیری هدف‌های مشترک و بسیاری احتمالات دیگر است که در تعاملات روزانه وجود دارد. مشغولیت افزایش یافته این رفتارهای ارزشمند، ممکن است این احتمال را افزایش دهد که افراد نهایتاً رضایت و شادی را احساس کنند. پس کشف «عشق» به عنوان یک ارزش نشان می‌دهد که چه زمانی یک رابطه ناسالم را قطع کرده و چگونه رابطه‌ای ارضاء‌کننده ایجاد کنیم (دال، استوارت، مارتل و کاپلان،^۸ ۲۰۱۵). از این‌رو «ما باید عشق را درک کنیم، ما باید بتوانیم آن را بیاموزیم، خلق و پیش‌بینی کنیم» (کلاند،^۹ ۲۰۱۵).

با این حال، فرایند انتخاب همسر، پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است که فقط به بخشی از ارزش‌ها یعنی معیارهای همسرگزینی در آن توجه شده است و دیگر وجود ارزش‌ها در این انتخاب مهم مغفول مانده است و به مقوله عشق نیز جدای از ارزش‌ها پرداخته شده است. از آن جمله صادقی ده چشممه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) با روش کمی به بررسی ملک‌های همسرگزینی در میان اقوام چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند. تحلیل کلی نشان داد که در بین اقوام ساکن در چهارمحال عشق و علاقه، سلامت روانی، عفت و پاکدامنی، نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج و مسئولیت‌پذیر بودن مهم‌ترین ملاک‌ها هستند و ملاک‌های: قومیت یکسان، جذابت

1. Ozyigit, M. K.

2 .Nietzel, M. T., & Harris, M. J.

3 .Schwartz, S. H., & Ros, M.

4 .Menezes, I., & Campos, B. P.

5. human basic values

6 .Reilly, E. D., & et al.

7 .Lev, A., & McKay, M.

8 .Dahl, J., Stewart, I., Martell, C., & Kaplan, J.S.

9 .Kelland, M.

ظاهری، تناسب موقعیت اجتماعی، خانوادگی، تحصیلات، شغل و درآمد در مراتب پایین‌تری از اهمیت قرار داشتند. فولادیان، هاشمی و تیموری (۱۳۹۷) تحلیل مقایسه‌ای معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران را بررسی نمودند و نتایج بیانگر تفاوت در معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران است. شهرابی فراهانی، فاتحی زاده و اعتمادی (۱۳۹۷) در تحقیقی کیفی به کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج پرداختند و با نگرش‌های کارآمد و ناکارآمد دختران نسبت به انتخاب، زمینه را برای تدوین برنامه‌هایی آموزشی و اصلاحی جهت تقویت نگرش‌های مثبت در این گروه فراهم آورند. صنعتی شرقی و رستم زاده (۱۳۹۵) به مطالعه رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی روی آوردن و ۱۳ مقوله قیافه و ظاهر، ویژگی‌های جسمی منشی و رفتاری، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام گذاشتن و درک کردن، استخراج کردن و دو الگو و مدل متفاوت برای دختران و پسران ارائه دادند که مطابق با نظریه‌های همسرگزینی است. کنعانی، حمیدی فر و محمد زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در معیارهای همسرگزینی بین مردان و زنان ازدواج کرده شهر رشت پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان به معیارهای جسمانی و زنان به معیارهای اقتصادی-اجتماعی توجه بیشتری داشته‌اند. همچنین مردان و زنان در معیارهای درونی با یکدیگر مشابه‌ترين دارند، اما در معیارهای بیرونی، بر الگوهای متفاوتی تأکید دارند. ولنتین، لی، ملنر و تسای^۱ (۲۰۲۰) پژوهشی در راستای بررسی ترجیحات همسرگزینی با توجه به صفات صمیمیت - قابلیت اعتماد به عنوان پیش‌بینی کننده جذابیت عاشقانه در مراحل ابتدایی انتخاب همسر و رضایت در تداوم رابطه را انجام دادند. لی، جونزا و دیبورینا^۲ (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین خود پندارهای مرتبط با همسرگزینی و ترجیحات جفت با استفاده از تحلیل داده‌های آنلاین توصیفات شخصی پرداختند. به طور کلی، هم پروفایل زنان و هم پروفایل مردانی که فعالیت‌های خارج از منزل، موسیقی/هنر را توصیف کرده بودند مطلوبیت بیشتری داشتند. جانسون و آنتون^۳ (۲۰۱۹) به پژوهشی پرداختند با عنوان «ترجیحات همسر برای شریکان زندگی تحصیل کرده: شباهت‌ها و تفاوت‌ها در دو جنس بستگی به زمینه همسرگزینی دارد»؛ در این مطالعه مدل‌های تکاملی و اجتماعی-فرهنگی ترجیحات همسر بیان می‌دارند که تحصیلات عامل مهم و مورد توجه برای زنان و مردان است.

در این راستا، پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی هر کدام به بخشی از ارزش‌ها یعنی معیارها در انتخاب همسر توجه داشتند که اغلب این پژوهش‌ها نیز مبتنی بر نظریه‌های همسرگزینی تبیین شده‌اند و جامعیت موردنظر پژوهش حاضر را ندارند. در این پژوهش به ارزش‌ها در انتخاب همسر به ابعاد گوناگون و لایه‌های درونی و زیرین این انتخاب پرداخته شده است. از طرفی غالب این پژوهش‌ها به صورت کمی صورت گرفته و با توصل به عملیات آماری حاصل آمده‌اند. درنتیجه در پژوهش حاضر به شناسایی ارزش‌های زیربنایی جوانان در انتخاب همسر با رویکرد کیفی پرداخته شد تا عرصه‌هایی از این انتخاب کشف شود که از آن اطلاعات کمتری در دسترس است.

روش

از آنچایی که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی ارزش‌های جوانان در انتخاب همسر بوده، رویکرد کیفی را برای انجام پژوهش برگزیده است. پژوهش کیفی ماهیتاً چند روشی است و متضمن رویکرد تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این بدان معناست که پژوهش‌گران کیفی پدیده‌ها را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کنند و می‌کوشند پدیده‌ها را بر حسب معناهایی که مردم به آن‌ها می‌دهند مفهوم سازی یا تفسیر کنند (حاج حسینی و محدثی، ۱۳۹۸). لذا دستیابی به پاسخ مناسب برای سؤال پژوهش از روش داده بنیاد^۴ استفاده گردیده است. پژوهش‌گران در روش داده بنیاد به طور استقرایی بر اساس مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان داده‌ها را برای ایجاد یک نظریه جدید خلق و تفسیر می‌کند (استراوس و کربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش نیز با مصاحبه با جوانان در آستانه ازدواج به تفسیر و تبیین یافته‌ها پرداخته و یافته‌ها در ۵ مقوله محوری و یک مقوله هسته طبقه‌بندی شدند.

1. Valentine, K. A., Li, N. P., Meltzer, A. L., & Tsai, M. H.

2. Lee, A.J., Jones, B.C., & DeBruine, L.M.

3. Jonason, P. K., & Antoon, C. N.

4.qualitative approach

5.grounded theory

6. Strauss, A., & Corbin, J.

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل جوانان در آستانه ازدواج شهر کرج و مراجعته‌کننده به «مرکز آزمایش‌های پیش از ازدواج شهید راست‌روش» هستند که به روش انتخاب هدفمند برگزیده شدند. در این روش محقق مواردی را جستجو می‌کند که دارای بیشترین اطلاعات در پدیده تحت مطالعه باشند و او بتواند پدیده را در عمق کشف کند (گال، بورگ و گال،^۱). بنابراین انتخاب افراد بر مبنای ازدواج اول، سن ۲۰ تا ۴۰ سال و داشتن تجربه آشنایی حداقل به مدت ۳ ماه می‌باشد. بر این اساس به مصاحبه با افراد در آستانه ازدواج پرداخته شد و تعداد مشارکت‌کنندگان بر پایه اصل اشیاع^۲ با تکراری^۳ شدن پاسخ‌ها به ۲۱ نفر رسید. تعداد کل مشارکت‌کنندگان پس از ۱۰ نفر هستند که طیف سنی بین ۲۴ تا ۳۷ هستند. تحصیلات آن‌ها ۶ نفر دیپلم، ۳ نفر کارشناسی و ۱ نفر دکتری است. ۶ نفر از آن‌ها شغل آزاد، ۱ نفر مهندس، ۱ نفر طراح گرافیست و ۱ نفر کارمند است. مدت آشنایی آن‌ها از ۳ ماه تا ۷ سال متغیر است و طریقه آشنایی ۸ نفر از آن‌ها سنتی و ۲ نفر مدرن است. تعداد کل مشارکت‌کنندگان دختر ۱۱ نفر هستند که در رده سنی ۲۱ تا ۳۷ سال قرار دارند. تحصیلات ۱ نفر دیپلم، ۱ نفر کاردانی، ۷ نفر کارشناسی و ۱ نفر کارشناسی ارشد است. ۷ نفر از آن‌ها شاغل و ۴ نفر خانه‌دار هستند. مدت آشنایی آن‌ها از ۳ ماه تا ۷ سال متغیر است و طریقه آشنایی ۷ نفر از آن‌ها سنتی و ۴ نفر مدرن است.

ابزار سنجش

در این پژوهش ابزار تحقیق جهت گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته^۴ با پرسش‌های باز و استاندارد شده بود. پرسش‌ها بر پایه سه بعد کلی و توالی منظمی از پرسش‌های مرتبط، تنظیم گردید تا شرایط یکسان برای تمامی مشارکت‌کنندگان فراهم باشد. مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر آموزش‌دیده و مطابق با اصول مصاحبه کیفی در گفتگوهای ۴۵-۴۵ دقیقه‌ای انجام گرفت. رئوس کلی پرسش‌های مصاحبه‌ی پژوهش این‌گونه بود: (۱) معیار در انتخاب همسر: چطور با همسرتان آشنا شدید؟ چه ملاک و ویژگی‌هایی در انتخاب شما مؤثر بود؟ بیشتر از همه جذب چه چیزی در همسرتان شدید؟ (۲) اهداف در انتخاب همسر: از انجام چه کارهایی باهم لذت می‌برید؟ با توجه جامعه امروزی می‌توانستید راههای دیگری به‌غیرای ازدواج را انتخاب کنید چطور شد که ازدواج را انتخاب کردید؟ (۳) معنا در انتخاب همسر: تمرکز شما در این رابطه بر چه چیزی هست؟ سفر زندگی خود را بدون این شخص چگونه متصور هستید؟ به‌منظور روش تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از تدوین طبقات اطلاعاتی (کدگذاری باز)، مرتبط ساختن این طبقات (کدگذاری محوری) و ارائه «دادستانی» که این طبقات را به هم پیوند می‌دهد (کدگذاری گزینشی) انجام گرفت (استراوس و کرین،^۵ ۱۹۹۰). مصاحبه‌ها در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیو دی‌ای ۲۰۱۸»^۶ کدگذاری گردید. پس از استخراج مفاهیم اولیه و شروع کدگذاری باز، پژوهشگران در متن به جستجوی طبقات اطلاعاتی برجسته و باز پرداختند و با استفاده از رویکرد مقایسه‌ی مستمر تلاش کردند این طبقات را به «ا شبان»^۷ بر سانند. در مرحله کدگذاری محوری فرایند اختناص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج شده و شکلی گزیده به خود گرفت. درواقع پس از کدگذاری باز، پژوهشگران توانستند محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها را مشخص کرده و مرحله بعد کدگذاری را حول این محورها انجام دهند. در آخرین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری گزینشی معروف است پژوهشگران با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله پیشتر فرایند کدگذاری پرداختند و پدیده هسته یا مرکزی استخراج گردید که بتواند در تبیین مقوله‌های محوری و کل یافته‌ها نقش بیشتری ایفا کند.

یافته‌ها

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان و به‌واسطه کدگذاری، تحلیل، طبقه‌بندی و تفسیر پاسخ‌ها، ۵ مقوله محوری (اصلی) با بعد گوناگون به‌عنوان ارزش‌های افراد در انتخاب همسر و یک مقوله هسته با عنوان «عشق محتوای زندگی» حاصل آمد. جدول ۱ مقوله‌های اصلی و فرعی و هسته را نشان می‌دهد.

1 .Gall,M.D., Borg, w., & Gall,J.

2. saturation

3. repetitious

4. semi-structured interview

5.maxqda 2018

جدول ۱- مقوله‌های اصلی و فرعی و هسته

مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله هسته
وفادر و معهد بودن، چشم‌پاک بودن، احترام گذاشت، صداقت داشتن، دست‌و‌دل‌باز بودن، دوست داشتن، مهربان بودن، همتایی و تناسب خانوادگی، همتایی، روابط عاطفی، جذابیت ظاهری و اقتصادی و اجتماعی، داشتن ظاهر مردانه، چهره زیبا، بی‌اهمیت بودن ظاهر، آشنایی سنتی و مدرن و ...	معیار: فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، تناسب و همتایی، روابط عاطفی، جذابیت ظاهری و طبقه‌آشنایی	...
نژد یک بودن نوع زندگی و سلاطیق و علاقه، حامی و حمایت گر بودن، داشتن خانواده خوب و ارتبط خوب با آن‌ها، نداشتن رابطه جنسی و فیزیکی قبل از ازدواج و ...	انتظارات: همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب، مسائل جنسی	عشق محتوای زندگی
پذیرش تفاوت‌ها و درک همدیگر، پیشرفت و هدفمندی، مطابقت داشتن ازدواج با خانواده و جامعه، بلا تکلیف نبودن، آرامش و حس و حال خوب، حفظ چارچوب خانواده، تغییر و تکامل، داشتن خانواده و فرزند و ...	اهداف: نیاز‌های ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شكل‌گیری خانواده	
داشتن احساس مسئولیت، داشتن مشاوره پیش از ازدواج، اهمیت به کودکان، همکاری در کارهای استقلال مادی و معنوی خانه و ...	مسئولیت‌پذیری: همکاری در جهت	
عاشق شدن، لذت باهم بودن، بعد معنوی طرف قابل، ساختن زندگی و ...	معنا	

۱. معیار در انتخاب همسر

در پژوهش حاضر معیار به عنوان اولین بخش از ارزش‌های موردنظر مشارکت‌کنندگان ^۶ بعد «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، روابط عاطفی، همتایی و تناسب، جذابیت ظاهری و طبقه‌آشنایی» را به خود اختصاص داد.

فضیلت اخلاقی

فضیلت اخلاقی یعنی برتری در خلق که سبب رفتار نیکو در فرد می‌گردد و تبعات این نیکویی خلق، فردی نخواهد بود و سرایت آن به زندگی مشترک و جامعه نیز دیده خواهد شد. آن‌چنان‌که مینایی می‌گوید: «از آنجایی که اخلاق مبنای مشترک زندگی انسانی است و اخلاق تنها از گرایش‌های اساسی بشر که من آن‌ها را الگوهای جامعه نامیدم، قابل اقتباس است، باید تلاش خود را به اتحاد دوباره‌ی خود با نسل‌های جوان‌تر، در یک دورنمای معمول انسانی، معطوف کنیم ... حقیقت جوهری که به مدد دانش و اندیشه‌های دینی آشکار می‌گردد می‌تواند ابعاد اخلاقی بگیرد» (طلایی مینایی، ۱۳۹۳). آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: «نجیبه و الان شرایط اموری همون طور که می‌دونید خیلی راحت‌تر شده و هر کاری می‌خوان می‌کنن اما ایشون این جوری نیستند و نجابت دارند و حتی چند بار پیگیرش بودم و تعقیبیش کردم و تحقیق هم کردم و دیدم واقعاً نجابت دارند» یا «خصوصیت خوب دیگه ای که داره اینه که وفادار هست».

ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری

رفتار انسان‌ها مستقیماً بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. هرچقدر که افراد در ذهن خود، ما را دوست داشته باشند یا به‌طور کلامی به ما ابراز علاقه و عشق کنند، اما رفتاری متعارض نشان دهند، دچار آسیب خواهیم شد. داشتن برخی از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی در ازدواج می‌تواند کمک کند که در زندگی مشترک اختلافات و تعارضات کمتری تجربه شود از جمله صداقت، منطقی بودن، شوخ‌طبع بودن و «خیلی آدم راست‌گویی هست هیچ موقعی ندیدم دروغ بگه» یا «صداقت و رک بودنه ایشون و اینکه اصلاً دروغ نمی‌گن تحت هیچ شرایطی».

روابط عاطفی

احساس و عاطفه بخشی غیرقابل انکار از وجود آدمی است که به رفتارهای اجتماعی و روابط وی نیز جهتدهی می‌کند. از جمله در روابطی همانند ازدواج که مسئله حائز اهمیت هست و باعث مستحبک شدن روابط زوجین می‌گردد. آن‌چنان که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "مهربون هستش مثلًاً اصلاً دل ندارن و با کوچک‌ترین چیزی ناراحت می‌شون و آدم‌های مهربون اکثرًا این‌طوری هستند و خودم هم همین‌طوری هستم و علاقه‌ای که به من نشون می‌داد" یا "مهربون بودنشون مثلًاً وقتی مشکلی داشته باشم بهم اهمیت میده و جویا هست که مشکلم چی هست برای رفع اون پشتمن هست و هیچوقت تنها نمی‌گذاره".

همتایی و تناسبی

مشارکت‌کنندگان داشتن تناسب در خانواده، تحصیلات، وضع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نگرشی را مهم می‌دانستند. به عنوان مثال، تحصیلات مشابه باعث همسانی می‌شود؛ زیرا تحصیلات نزدیک به هم گاه نتیجه تشابه درجه هوش افراد است. از طرفی تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت‌های عمدۀای در جهان‌بینی و نگرش افراد ایجاد می‌کند. تحصیلات بالاتر و تجربه کردن مقاطع تحصیلی بالاتر فرد را دارای جهان‌بینی، افکار و اعمال متفاوت‌تری از فرد دیگر با تحصیلات کمتر می‌نماید. حتی برخوردها، رفتارها، استدلال‌ها نیز به گونه‌ی متفاوتی خواهد بود در نتیجه همسانی در تحصیلات و موارد دیگر فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی و غیره سبب می‌شود افراد بهتر یکدیگر را درک کنند. "نقاط مشترک زیاد داشتیم یعنی ازنظر اعتقادی و طرز فکر اشتراک داشتیم" یا "بعد از نظر سطح خانوادگی هم باهم اختلاف فرهنگی نداریم، اختلاف مالی هم نه به اون صورت. به طور کلی خیلی جهان‌بینی مون شیوه هم هست".

جداییت ظاهری

هیئت ظاهر یا به‌اصطلاح شکل و قیافه فرد می‌تواند از جهات مختلف مورد توجه طرف مقابله قرار بگیرد. به‌طور کلی در این ارتباط، موارد و مسائلی همچون اندازه قد، رنگ چهره، چاقی و لاغری و ... مورد توجه داوطلبان ازدواج و نزدیکان ایشان است (افزو، ۱۳۹۴). آن‌چنان که اظهار داشتند: "اولین ویژگی ظاهر است و ظاهرش رو خیلی دوست دارم خصوصاً یک موقع هایی که ریش می‌گذارد بیشتر و دوست داشتنی‌تر می‌شد و همیشه از یک پسر قدبلند خوش می‌میامد و قدش هم بلند و من دوست دارم" یا "از نظر چهره و ظاهر هم خوب برام اهمیت داشت که زیبا هستند".

طریقه آشنایی

رو دررو شدن دو نفر و باز شدن باب آشنایی به شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد که با توجه به پژوهش حاضر به دو شیوه‌ی سنتی و مدرن (امروزی) تقسیم گردید. یکی از شیوه‌های سنتی آشنایی، معرفی از طرف دیگران است و از آنجایی که در فرهنگ کشور ما بر سنت ازدواج تأکید بسیار می‌شود، معرفی برای ازدواج پسندیده است. معمولاً در معرفی، افراد اطمینان بیشتری نسبت به آن ازدواج احساس می‌کنند در این پژوهش معرفی از طریق دوست، همسایه و همکار در زمرة‌ی این نوع آشنایی قرار گرفته است. شیوه‌ی دیگر برای آشنایی از طریق محیط کار، محیط دانشگاه، اتفاقی و ... است که نام همه‌ی این طرق، آشنایی مدرن قرار داده شد. آن‌چنان که مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند: "از طریق یکی از اقوام که معرفی کردند به من ایشون رو" یا "به صورت اتفاقی توی یک مسافت و توی خیابون ایشون رو دیدم".

با توجه به اظهارات مشارکت‌کنندگان می‌توان دریافت که اولین بخش از ارزش‌های آن‌ها یعنی معیار، منطبق با بخشی از پژوهش صنعتی شرقی و رستم زاده (۱۳۹۵) است که به ۱۳ مقوله محوری قیافه و ظاهر، ویژگی‌های جسمی، منشی و رفتاری، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام گذاشتن و درک کردن، اشاره کردند. همچنین با بخشی از پژوهش صادقی ده چشمه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) نیز هم سو می‌باشد. در این پژوهش، تحلیل کلی پژوهشگران نشان داد که ملاک‌ها در دو بخش اهمیت بالا و پایین تقسیم‌بندی می‌گردد که معیارهای این پژوهش بالهمیت پایین ملاک‌های پژوهش مذکور هم راستاست. این ملاک‌های پایین شامل: ملاک‌های قومیت یکسان، جذابیت ظاهری، تناسب موقعیت اجتماعی، خانوادگی، تحصیلات، شغل و درآمد بود.

۲. انتظارات در انتخاب همسر

باریچ و بیلبی (۱۹۹۶) انتظارات را به منزله‌ی تصاویری ذهنی از ازدواج تعریف می‌کنند که زوجین برای خود با توجه به بافت رابطه ایجاد می‌کنند (فلحی، فلاخ چای و زارعی، ۱۳۹۳). عوامل زیادی بر انتظارات تأثیرگذارند از جمله این عوامل که می‌توان نام برد، عوامل

فردی، خانواده، اجتماع و بهطورکلی بافت و بستری که فرد در آن رشد یافته است. در این پژوهش انتظارات مشارکت‌کنندگان دارای ابعاد «همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی» بود.

همراه و همپا بودن

با توجه به داده‌های مشارکت‌کنندگان یکی از انتظارات ایشان زندگی در کنار فردی است که بتواند همفکر و هم سلیقه و همجهت با آن‌ها باشد تا با اشتراک داشتن در این زمینه‌ها بتوانند زندگی‌شان بهتر، هدفمندتر و راحت‌تر پیش ببرند. می‌توان گفت این همسانی سبب می‌شود افراد انرژی خود را روی اهداف زندگی متوجه کنند تا اینکه بخواهند زمان و انرژی زیادی را صرف قانع و راضی کردن برای براورده کردن نیازها، خواسته‌ها، خواهشان بگذارند. "نزدیک بودن سلاطیق و تیپ زندگی مثلاً آرزو دارم بتونیم با همیگه کتاب بخونیم و این تفکر در طرف مقابل من هم هست" یا "خیلی همراه هست و خیلی حمایتگر هست، خواسته هام رو عملی میکنه".

داشتن خانواده خوب

شاید بتوان گفت از بزرگ‌ترین چالش‌های روابطی مثل ازدواج، ارتباط با خانواده طرف مقابل و خودشان و واردکردن آن‌ها در رابطه است که امری گریزناپذیر است. می‌توان گفت خانواده منبع تأمین نیازهای روان‌شناختی، جسمانی و عاطفی افراد به شمار می‌رود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، کارکرد حمایتی آن است که در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به خوبی مشهود است که لازمه ارتباط خوب خودشان را حمایت و داشتن یک خانواده‌ی حامی، صادق، اصیل، گرم و ... می‌دانند که این ارتباط خوب با خانواده می‌تواند به رابطه زوجی آن‌ها نیز بپیوود ببخشد. "چیزی که برای من مهم بود خانواده طرف خوب باشن و من احساس خوبی باهشون داشته باشم".

مسائل جنسی

در پژوهش حاضر، برخی از مشارکت‌کنندگان به داشتن رابطه جنسی و شناخت طبع همدیگر اذعان داشتند و آن را مهم می‌دانستند و بعضی از مشارکت‌کنندگان صحبت نکردن و نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج را به صورت ارزشی مطرح شده و به عنوان حجب و حیا در نظر گرفته شده است که مورد دوم با توجه به فرهنگ جامعه ما قابل قبول است؛ اما یک نکته مهم این است که اگرچه نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج کاملاً پسندیده و مطابق با عرف و فرهنگ جامعه ماست اما صحبت نکردن و آگاهی پیدا نکردن از آن مشکل‌زا خواهد بود. "از نظر روابطی که با هم داشتیم (جنسی) از همه لحاظ با هم او کی هستیم". یا "مسئله دیگه هم این بود که وقتی دوتایی با هم می‌رفتیم جایی و تنها بودیم نوازش هاش رو دوست داشتم و در حدی نیست که بخود غیراخلاقی برخورد کنه".

۳. اهداف در انتخاب همسر

اهداف در پژوهش حاضر دارای ۵ بعد «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تعییر و شکل‌گیری خانواده» است.

نیازهای ازدواج

یکی از اهداف ازدواج تأمین نیازهای اساسی زنان و مردان است و اگر زوجین برای تأمین نیازهای یکدیگر تلاش کنند در بهبدود صمیمیت در رابطه‌شان پیشرفت چشمگیری حاصل خواهد شد؛ بنابراین ارتباط به معنای تأمین نیازهای ما با دیگران است. می‌توان گفت: «رابطه رفتار ما در اطراف دیگران است که با آن نیازهای خود را براورده می‌کنیم». (بوتراک، ۲۰۲۰). از جمله نیازهایی که افراد در یک رابطه برای براورده شدن آن تلاش می‌کنند درک و پذیرش همدیگر است. پذیرش را می‌توان این‌گونه تعریف کرد «نگرشی ذهنی که در آن چیزی باورپذیر است و باید آن را به عنوان واقعیت پذیرفته» (والسر و وسترپ، ۲۰۰۹). آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "از نظر رفتاری هم بهم نزدیک بودیم یعنی همدیگه رو می‌تونستیم بفهمیم مثلاً در یک موضوع خاص عکس‌العمل ما یکسان بود و متوجه شدیم همو می‌تونیم بهتر درک کنیم" یا "فهم و درکش برآم مهمن بود".

دغدغه‌های ازدواج

مطابق با داده‌های مصاحبه‌شوندگان، راههای به‌غیراز ازدواج به عنوان هنجار خانواده و جامعه موردن‌پذیرش نیست و آن را به عنوان یکی از دغدغه‌های خود مطرح کردند. اگرچه برخی از مشارکت‌کنندگان دوستی‌های طولانی و حتی ازدواج سفید را تجربه کرده بودند اما درنهایت به علت مسائل قانونی، حقوقی، شرعی و اجتماعی آن، تن به ازدواج دادند. یک سری نرم‌های اجتماعی داریم و به این نرم‌ها ما باید احترام بگذاریم و اگه می‌خوایم از جامعه احترام بگیریم باید به ساختار جامعه احترام بگذاریم".

آرامش و امنیت

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

از آنجایی که هدف اصلی و غایی ازدواج در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و مبانی روان شناختی همسری، نیل به آرامش است و مسائلی همچون از تنهایی درآمدن، تشکیل خانواده مستقل، اراضی غرایز طبیعی و فرزند آوری از نتایج قهری ازدواج است و نه هدف اصلی، می‌باشد معیارهای انتخاب همسر به‌گونه‌ای باشد که ما را به هدف غایی از ازدواج که همانا استقرار در ساحل آرامش است نائل گرداند (افروز، ۱۳۹۴). "آرامش، هیچی مثل آرامش تو زندگی لذت‌بخش نیست؛ آرامش یعنی وقتی تو خونه ام با ذوق غذا بپزم، کارهای روز بکنم یا به خودم بر سم که وقتی مثلاً می‌دونم ۲ ساعت دیگه کسی رو که واقعاً دوستش دارم قراره بیاد خونه". یا "بزرگ‌ترین هدفم این بود که در زندگی مشترک به آرامش برسم چون آرامش خیلی مهمه".

تکمیل و تغییر

همان‌طور که می‌دانیم معنی واژه تکامل یعنی کامل شدن و به کمال رسیدن. کمال به این معنی است که یک موجود همه مراحلی را که طی نکرده است، باید طی کند و همه امکانی که طبیعت برای او تهیه دیده است را کسب نماید درنتیجه مقصود از تکامل در این پژوهش این است که افراد وارد مرحله بعدی زندگی می‌شوند و با گزینش همسری مناسب و شایسته، موجات رشد و تکامل خویش را با مسائل متفاوت و گوناگونی که در این راه و باهم تجربه می‌کنند، فراهم می‌نمایند و بسیاری از شایستگی‌ها و توانمندی‌های نهفته در درون خویش را شکوفا می‌سازند. آن‌چنان‌که مشارکت‌کنندگان بیان کردند: "این که بگم تنفس نداشته باشم یا باید تفاهم داشته باشم و بعد ازدواج کنم این اصلاً معنی نداره چون اگر بحثی صورت نگیره تکاملی رخ نمی‌کنه و هیچ ایراد و نقدی هم مطرح نمی‌شه".

شكل‌گیری خانواده

مشارکت‌کنندگان ازدواج را راهی برای صاحب فرزند شدن و داشتن خانواده می‌دانستند، آن چنانکه برخی اظهار کردند: "هدفم اینه که فرزند داشته باشیم و بتونیم درست تربیتش کنیم" یا "اینکه دوست داشتم همیشه ازدواج کنم و بچه داشته باشم".

۴. مسئولیت‌پذیری در انتخاب همسر

مسئولیت‌پذیری در پژوهش حاضر دارای یک بعد به نام «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» است:

همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی

"توی این ۳ سال دوستی احساس مسئولیتش خیلی برام مهم بود" یا "از ازدواج بیشتر یک‌چیزی رو تصور می‌کنم اونم پذیرش مسئولیت و گرنه اتفاق دیگه‌ای می‌تونه نیفته اکثر آدم‌هایی که می‌بینم با این جریان مشکل‌دارند نمی‌تونند مسئولیت رو بپذیرند و قبول نکرند ازدواج یعنی پذیرش مسئولیت و تغییر دادن در خود که اون آدم سابق نیستی و حالا باید پذیرش مسئولیت داشته باشی".

همان‌طور که پیداست بخش چهارم از ارزش‌ها که از یافته‌ها استخراج گردید به مسئولیت‌پذیری می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری علاوه بر این که ارزش است، از «آگاه شدن به اینکه همسو بالازش‌ها یمان به زندگی پاسخ دهیم و متوجه این باشیم که هر لحظه حق انتخاب داریم» (والا سر و ستراب، ۲۰۰۹) ما را باخبر می‌سازد. این بخش از یافته‌ها با بخشی از پژوهش صادقی ده چ شمه، رستمی و آزادیان (۱۳۹۸) قابل تطبیق است. آن‌ها با استفاده از روش پیمایشی به بررسی ملاک‌های همسرگزینی در میان اقوام چهارمحال و بختیاری پرداختند و عشق و علاقه، سلامت روانی، عفت و پاک‌دامنی، نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج و مسئولیت‌پذیر بودن را از ملاک‌هایی باهمیت سطح بالا معرفی کردند.

۵. معنا در انتخاب همسر

شاید یافتن معنای رابطه برای دو نفر را بتوان به معنایی که از زندگی ترجمه و تفسیر می‌کنند مرتبط دانست. پس به تعداد این ترجمه و تفسیرها، معنا قابل دریافت است. عاشقی و عشق ورزیدن و بعد معنوی در رابطه از معنای بود که مشارکت‌کنندگان بدان اذعان داشتند: "در مجموع چون ویژگی‌های مثبت ایشون خیلی بیشتر بود و همدیگر رو دوست داشتیم و طوری هم شده بود که این دوست داشتن عمیق شده بود و معنی دار شده بود رابطه مون و اون عشق در کنار ایشون بودن باعث شد برای ازدواج ایشون رو انتخاب کنم".

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ابتدا به تولید مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها از مفاهیم و مضامین مصاحبه‌های جوانان در آستانه ازدواج پرداخته شد، سپس این مقوله‌ها به صورت منظم پرورانده و به زیر مقوله‌ها متصل شد و ۵ مقوله محوری استخراج گردید که نشان‌دهنده ارزش‌های جوانان در انتخاب همسر است. با این حال برای اینکه بتوان مقوله‌های اصلی را به یکدیگر پیوند داد و یکپارچه‌سازی در کل یافته ایجاد نمود،

نیاز به کشف مقوله هسته است. همان‌طور که می‌دانیم مقوله هسته دارای قدرت تحلیل است. آنچه این قدرت را به آن می‌دهد، توانایی به هم نزدیک کردن مقوله‌ها برای توضیح کل مطلب است که باید بتواند گوناگونی‌های درون مقوله‌ها را نیز در بر بگیرد (استراوس و کرین، ۱۹۹۰). بر این اساس در این پژوهش، مقوله هسته «عشق محتوای زندگی» نام گرفت که خود به عنوان «بزرگ‌ترین ارزش»^۱ (والسر و وسترپ، ۲۰۰۹) مطرح است و برای کشف آن از تحلیل نخستین داده‌ها تا مرحله آخر پژوهش در یک‌رونده تداومی، به طول انجامید.

با توجه به یافته‌های پژوهش، «عشق» در هر بعد از ارزش‌های افراد خود را با صورت و محتوایی متفاوت ظاهر می‌سازد و این ظاهر در هر مرحله خود را قوی‌تر، غنی‌تر، شکوفاتر و سرزنش‌تر از مراحل قبل نشان می‌دهد. آن چنانکه این عشق، در محور معیارها خود را در بعد «جداییت ظاهربی» نشان می‌دهد که امری کاملاً طبیعی است چراکه اولین قدم برای انتخاب همسر دیدن ظاهر و انتخاب بر اساس ملاک‌های ظاهربی است که برای فرد دارای اهمیت می‌باشد. البته جداییت ظاهربی فقط جداییت صورت نیست؛ بلکه ترکیبی از تن صاد، قد، نوع پوشش، بُوی بدن و سایر ویژگی‌هایی است که میزان این جداییت را برای افراد مشخص می‌کند. پس از «جداییت ظاهربی»، عشق در محور انتظارات در بعد «مسائل جنسی» خود را بروز می‌دهد. اگرچه در زمان و فرهنگ کنونی رابطه جنسی را برابر با صمیمیت در نظر می‌گیرند اما واقعیت آن است که رابطه جنسی در زندگی مشترک مهم است اما تمام صمیمیت برابر با رابطه جنسی نیست؛ بلکه بخشی از این رابطه است. این نشان می‌دهد اگر واقعاً می‌خواهیم صمیمیت را تجربه کنیم، باید از این عقیده که رابطه جنسی و صمیمیت هم‌معنی و متراffد هستند عبور کنیم. به عبارت دیگر در مراحل اولیه یک رابطه افراد معمولاً دامنه محدودی از تقویت‌کننده‌ها را برای رابطه در نظر می‌گیرند از جمله «فعالیت‌های جنسی» که همین امر می‌تواند به نامی‌دی و حس اشباع منجر شود (پائول، ۲۰۱۵). پس نیاز است به فرایند انتخاب همسر عمیق‌تر بپردازیم و محورهای ارزشی دیگر را نیز مدنظر قرار دهیم. محور ارزشی معیار و انتظار با توجه به ابعاد آن‌ها «فضیلت‌های اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، تناسب و همتایی، روابط عاطفی، جداییت ظاهربی و طریقه آشنایی، همراه و همپا بودن، داشتن خانواده خوب و مسائل جنسی با ریخت‌های ارزشی (لذت‌جویی، تحریک طلبی، همنوایی، خیرخواهی)» در «نظریه ارزش‌های انسانی» شوارتز همخوانی دارد. عشق، در محور اهداف در بعد «آرامش و امنیت» خود را نشان داد. همان‌طور که می‌دانیم از بهترین برکات زندگی برخورداری از همسری است که سبب آرامش و امنیت روحی و روانی است، درواقع ازدواج و قرار گرفتن در جمع یک خانواده، از فرصلات‌ها و چالش‌های مهم دو نفر برای سازندگی، شکوفایی و عشق ورزیدن به حساب می‌آید. عشق در محور مسئولیت‌پذیری در بعد «همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی» نمود پیدا می‌کند. مشارکت‌کنندگان، مسئولیت‌پذیری را توانایی اداره یک زندگی از نظر مادی و معنوی ذکر کردن و ازدواج کردن را نوعی مسئولیت‌پذیری بیشتر و ایجاد تغییر در خود می‌دانستند. یکی از جنبه‌های شگرف و دشوار روابط صمیمانه، قبول مسئولیت است، چون ابزاری است که به‌طور اجباری فرد را در مسیری که او را به کمال ممکن می‌رساند، هدایت می‌کند. پذیرش مسئولیت، محركی اعجاب‌انگیز در راه رشد و پیشرفت انسان است. مسئولیت‌پذیری نیاز به عشق و جسارت دارد. وقتی افراد در رابطه خود احساس مسئولیت کنند، صمیمانه در کار یکدیگر دخالت می‌کنند (کلی، ۲۰۱۵). عشق در آخرین ارزش کشفشده در این پژوهش یعنی معنا با خود واژه «عشق» متجلى می‌گردد. «عشق» احساسی نیست که هر کس بتواند به آسانی بدان گرفتار شود. تمام کوشش‌های فرد برای عشق ورزیدن محکوم به شکست خواهد بود، مگر آنکه خود او با جدوجهد تمام برای تبادل، تکامل و تعالی شخصیت خویش بکوشد. آن چنان‌که پارسلوس می‌گوید: «آنکه هیچ نمی‌داند، به چیزی عشق نمی‌ورزد. آنکه از عهده‌ی هیچ کاری برنمی‌آید، هیچ نمی‌فهمد. آنکه هیچ نمی‌فهمد، بی‌ارزش است. ولی آنکه می‌فهمد، بی‌گمان عشق می‌ورزد، مشاهده می‌کند، می‌بیند. به عبارت دیگر، هر چه بیشتر دانش آدمی در چیزی ذاتی باشد، عشق بدان بزرگ‌تر است» (فروم، ۱۹۵۶). آن چنانکه مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز «عشق» خود را در این مرحله عمیق‌تر درک کرده و آن را متراffد با معنای زندگی خود بیان کردن. محورهای ارزشی «اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» با توجه به ابعاد آن‌ها «نیازهای ازدواج، دغدغه‌های ازدواج، آرامش و امنیت، تکمیل و تغییر و شکل‌گیری خانواده، همکاری در جهت استقلال مادی و معنوی، عاشق شدن، باهم بودن، ساختن زندگی و ...» با ریخت‌های ارزشی «قدرت، پیشرفت، جهان‌شمول نگری، ایمنی و سنت» در «نظریه ارزش‌های انسانی» شوارتز همخوانی دارد.

به‌طور کلی با توجه به ۵ محور ارزشی پژوهش و مقوله هسته آن یعنی «عشق» می‌توان نتایج را با برخی از تقسیم‌بندی‌های عشق از دیدگاه استرنبرگ نیز قابل تطبیق دانست. بر این اساس، عشق در محور ارزشی «معیار و انتظار» قابل تطبیق با مؤلفه «شهوت» استرنبرگ است. از دیدگاه استرنبرگ عشق سه مؤلفه دارد: صمیمانیت، شهوت و تعهد؛ این سه مؤلفه هم به تنها‌یی و هم با ترکیب شدن، می‌توانند انواع

1 .Paul, H.A.

2 .Kelly, M.

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

مختلفی از عشق را شکل دهد. مؤلفه «شهوت» شامل اشتیاق، جاذبه بدنی و فعالیت جنسی است و به احساساتی اشاره دارد که فرد نمی‌تواند بدون دیگری زندگی کند، در زندگی‌اش به دیگری احتیاج دارد و حتی نمی‌تواند زندگی بدون آن دیگری را تصور کند. (استرنبرگ، ۲۰۲۰). اگر فرد فقط در ارتباط و انتخاب همسر فقط به جذابیت ظاهری و کشنش جنسی توجه داشته باشد، یعنی در حال تجربه «عشق آتشین یا شیفته»^۱ از دیدگاه استرنبرگ است. مسئله عشق شیفته این است که شخص واقعاً هدف خواسته خود را نمی‌داند - اینکه آیا احساسات دوام خواهد داشت، آیا با سبک زندگی او متناسب است؟ (استرنبرگ، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، اگرچه این شور و اشتیاق در ابتدای رابطه جالب توجه است اما در طول زمان کاهش می‌یابد و اگر افراد ارزش‌های دیگری را نیز مدنظر قرار ندهند، رضایت و پایداری رابطه امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو پژوهش دیگر جنبه‌های رابطه نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا فرایند و فرآورده انتخاب همسر و رابطه در مسیر غنی‌شده و معنادار آن قرار گیرد. آن چنان‌که در پژوهش حاضر نیز افراد «عشق» را فقط منوط به ارزش «معیار و انتظار» (منطبق با مؤلفه شهوت در نظریه استرنبرگ) ندانسته و اشاره به اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا (منطبق با صمیمیت و تعهد در نظریه استرنبرگ) در انتخاب خود داشتند که مبین پختگی و شکوفایی عشق و انتخاب آن‌ها نیز می‌تواند باشد.

به عبارت دیگر، عشق در ترکیب ۵ محور ارزشی باهم یعنی «معیار، انتظارات، اهداف، مسئولیت‌پذیری و معنا» مترادف با «عشق کامل»^۲ استرنبرگ است. عشق کامل زمانی اتفاق می‌افتد که فرد هر سه مؤلفه نظریه مثلثی عشق یعنی صمیمیت، شهوت و تعهد را تجربه کند. صمیمیت، شامل احساس پیوند و نزدیکی، شهوت شامل جذابیت ظاهری و فعالیت جنسی و تعهد به تصمیمی مربوط می‌شود که فرد دیگری را دوست دارد و وی را برای رابطه طولانی مدت می‌خواهد. تعهد همان چیزی است که باعث می‌شود روابط حتی در صورت دشوار شدن ادامه یابد (پک، ۲۰۰۳). وقتی شخص این مؤلفه‌ها را همانهنج با یکدیگر و با فرد دیگر تجربه می‌کند، احساس می‌کند که بخشی از خودش در دیگری است و با وی کامل می‌شود (استرنبرگ، ۲۰۲۰). بر این پایه می‌توان گفت هرچه تعداد حوزه‌های ارزشی که افراد برای خود لحاظ می‌کنند، بیشتر باشد، سبب گسترش تقویت و حفظ رابطه آن‌ها خواهد شد. از این‌رو، وقتی فرد از سطح انتظارات و معیار عبور می‌کند به این می‌اندیشد چه چیزی غنای بیشتری به زندگی‌اش می‌تواند ببخشد؟ این رابطه در رشد خود به کجا خواهد انجامید؟ چه چیزی این رابطه را غنی‌تر و سرزنش‌تر خواهد کرد؟ پس به ناچار نیازمند اهداف، مسئولیت‌پذیری، معنا و ... خواهد بود. در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت، از جمله: عدم امکان مصاحبه‌ها در شرایط مکانی و زمانی مناسب به علت وجود بیماری کرونا؛ این پژوهش فقط در دو بعد تبادلی و تکمالی قابل بررسی و کاووش بود و قابلیت نشان دادن تعالی که اوج یک رابطه است را نداشت؛ چراکه ساخت علمی پژوهشی-روانشناسی- اجازه نمی‌داد از وجه متعالی این پژوهش پرده برداریم و از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش کیفی در انجام صحیح این نوع از پژوهش‌ها باید دانست، روش تحقیق کیفی، روشی است که دانشجویان بنا به گرایش و علاقه خود و با آزمون‌خطا آن را فرا می‌گیرند و تا کنون ضرورت آموزش آن در سیستم‌های آموزشی کشور به‌ویژه دوره‌های تحصیلات تکمیلی دیده نشده است و هر آنچه از روش تحقیق در این دوره‌ها سپری می‌شود، مجموعه‌ای از مطالب نظری و گذراندن کارگاه و وبینار است که چندان مشمر ثمر نیست. ازانجایی که انتخاب همسر و تصمیم‌گیری درست می‌تواند بر کل فرایند زندگی تأثیرگذار باشد از جمله، ازدواج موفق، فرزند پروری، ممانعت از خیانت و طلاق و ... نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در مشاوره‌های زوج، پیش از ازدواج، طلاق و کارگاه‌های آموزشی برای تعیین ارزش‌ها و راهبردها و یافتن دوباره هسته زندگی یعنی «عشق» استفاده کرد. پژوهش‌هایی که در راستای این تحقیق می‌توان انجام داد، مطالعات مبتنی بر ارزش‌ها در انتخاب همسر در سایر استان‌های کشور برای تائید یا اصلاح ابعاد گوناگون این پژوهش؛ بررسی مطالعه‌ای در خصوص دوستی‌های طولانی مدت و ازدواج سفید و مزايا و معایب آن در راستای ارزش‌ها در انتخاب همسر با توجه به بافت و فرهنگ ایرانی اسلامی؛ و بررسی مطالعه‌ای مبنی بر عدم تطابق ارزش‌ها و راهبردها در افراد مطلقه است.

منابع

- افروز، غ. (۱۳۹۴). مبانی روان‌شناسی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
استراوس، آ. و کرین، ج. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل نظریه زمینه‌ای). ترجمه ابراهیم افسار (۱۳۹۸). تهران: نشر نی.

1. infatuation love

2 .consummate love

3 .Rck, M.S.

- جواهری محمدی، م.، کلانتر کوش، س.، م.، و فرح بخش، ک. (۲۰۱۵). مقایسه‌ی رضایت زناشویی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیرسنتی شهر تهران. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۵(۲)، ۱۴۲-۱۳۳.
- حاج حسینی، م.، و محدثی، و. (۱۳۹۸). تجربه فرزند پذیری و ساخت هویت مادرانه در زنان نایارور فرزند پذیر. مطالعات اجتماعی روان‌شناسی زنان، ۷-۳۶، (۴).
- دال، ج؛ استوارت، ی؛ مارتل، ک؛ و کاپلان، ج. (۲۰۱۵). *RFT و ACT در روابط*. ترجمه شکوه نوابی نژاد (۱۳۹۴)، تهران: جنگل.
- دل خموش، م.ت.، و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۲۹، ۵-۲۸، (۱)، ۱۳۹۶.
- شهربازی، م.، کرایی، ا.، و کیایی جم، ن. (۱۳۹۶). استانداردهای زناشویی و استانداردهای ارتباطی به عنوان پیش‌بین‌های سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان، نشریه روانشناسی خانواده، ۴(۲)، ۴۲-۲۹.
- شهرابی فراهانی، ل.، فاتحی زاده، م.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۱(۶۹)، ۱۶۲-۱۳۳.
- صادقی ده چشم، س.، رستمی، ص.، و آزادیان، ا. (۱۳۹۸). بررسی ملاک‌های همسرگزینی در میان اقوام ساکن در چهارمحال و بختیاری پژوهش‌نامه زنان، ۲(۲۸)، ۱۹۸-۱۷۳.
- صنعتی شرقی، ن.، و رستم زاده، م. (۱۳۹۵). مطالعه به روشن روش نظری درباره معیارهای همسرگزینی. فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، ۱۰، (۳)، ۵۴-۳۱.
- طلایی مینایی، ا. (۱۳۹۳). گذری بر کتاب عرفان، زیبایی‌شناسی و شعور کیهانی. ترجمه سید رضا افتخاری (۱۳۹۳)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فروم، ا. (۱۹۵۶). هنر عشق وزیدن. ترجمه پوری سلطانی (۱۳۹۳)، تهران: مروارید.
- فللاحی، م.، فلاح چای، س. ر.، و زارعی، ا. (۱۳۹۳). مقایسه انتظارات و هدف از ازدواج زنان و دختران ساکن در شهر شیراز‌زن در فرهنگ و هنر. (۳)، ۳۶۰-۳۴۵.
- فولادیان، م.، هاشمی، س.، و تیموری، م. (۱۳۹۷). تحلیل مقایسه‌ای معیارهای همسرگزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه معاصر ایران. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۷(۱۳)، ۱۲۲-۹۱.
- کنعانی، م.ا.، حمیدی فر، م.، و محمد زاده، ح. (۱۳۹۵). انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان ازدواج‌کرده‌ی شهر رشت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۸)، ۵۶-۲۲۹.
- گال، م؛ بورگ، و؛ و گال، ج (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمد رضا نصر و همکاران (۱۳۹۳). تهران: سمت.
- لو، ا. و مک کی، م (۲۰۱۷). درمان مبتنی بر پذیرش و پاییندی برای زوج‌ها. ترجمه مرتضی کشمیری و پیوند جلالی (۱۳۹۶)، تهران: ارجمند.
- والسر، ر و وسترپ، د (۲۰۰۹). همسران هوشیار. ترجمه مرتضی کشمیری و پیوند جلالی (۱۳۹۶)، تهران: ارجمند.
- Buss, D. M. (2016). *The evolution of desire: Strategies of human mating*. Basic books.
- Butorac,D. (2020).Choice Theory VS. Common Sense: Relationship. *International Journal of Choice Theory & Reality Therapy*, 39(2).
- Jonason, P. K., & Antoon, C. N. (2019). Mate preferences for educated partners: Similarities and differences in the sexes depend on mating context. *Personality and Individual Differences*, 148, 57-61.
- Kelland, M.(2015). *Personality theory in a cultural context*. OpenStax.CNX: Author.
- Kelly, M. (2015). *The Seven Levels of Intimacy: The Art of Loving and the Joy of Being Loved*. Simon and Schuster: Blue Sparrow .(Original work published 2005).
- Lee, A.J., Jones, B.C., & DeBruine, L.M. (2019). Investigating the association between mating-relevant self-concepts and mate preferences through a data-driven analysis of online personal descriptions. *Evolution and Human Behavior*, 40(3), 325-335.
- Menezes, I., & Campos, B.P. (1997). The process of value-meaning construction. *European Journal of Social Psychology*, 27, 55-73.
- Nietzel, M. T &, Harris, M. J. (2008). *Creative ways to keep romance alive*. <http://www.heartnhome.com>.
- Ozyigit, M.K. (2017). The meaning of marriage according to university students: A phenomenological study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 17(2), 679-711.
- Paul, H.A. (2015). *ACT and RFT in Relationships: Helping Clients Deepen Intimacy and Maintain Healthy Commitments Using Acceptance and Commitment Therapy and Relational Frame Theory* by J. Dahl, I. Stewart, C. Martell, & JS Kaplan: Oakland CA: Context Press/New Harbinger Publications. (Original work published 2015).
- Peck, M.S. (2003). *The road less traveled (timeless edition): A new psychology of love, traditional values, and spiritual growth*. New York, NY: Touchstone.

underlying values of spouse selection: A Grounded Theory study

- Reilly, E. D., Ritzert, T. R., Scoglio, A. A., Mote, J., Fukuda, S. D., Ahern, M. E., & Kelly, M. M. (2019). A systematic review of values measures in acceptance and commitment therapy research. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 12, 290-304.
- Schwartz, S.H. (2011). Values: Individual and cultural.In S. M. Breugelmans, A. Chasiotis, & F. J. R.van de Vijver (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology* (pp. 463-493). Cambridge: Cambridge University Press.
- Schwartz, S.H., & Ros, M. (1995). Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Sternberg, R. J. (2020). Toward a triangular theory of love for one's musical instrument. *Psychology of Music*, <https://doi.org/10.1177/0305735620961143>.
- Valentine, K. A., Li, N. P., Meltzer, A. L., & Tsai, M. H. (2020). Mate preferences for warmth-trustworthiness predict romantic attraction in the early stages of mate selection and satisfaction in ongoing relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 46(2), 298-311.